1. عفا وخلا ممن عهىدت به خم وشاقتک بالمسحاء من سرف رسم

سرزمين خم يكسره با خاك يكسان وكسي ازهم پیمانانت درآنجا نمانده وآثار خرابه ها در سرزمين هموار مسحا سرف هواي تو را كرده است

المسحاء:زمين صاف وشنزار ج.مساح ومساحي

2-عفا حقبا من بعد ما خف اهله وحنت به الارواح والهطل السحم

بعداز اینکه کوچ کردند مدت زمانی ویران شدوبادها وابرهای سیاه باران زا در آنجا صدا می کرد

الهطل:ریزان صفت ابرباران زااست

3-یلوح وقد عفی منازله البلی کما لاح فوق المعصم الحسن الوشم

در حالی که فرسودگی منازل آنجا را ویرآن کرده به گونه ای ظاهر شده بود که گویی خال هایی هستند که در محیط های زیبای دست نمایان است

الوشم:خال کوبی در بدن ج :وشوم وشام

3-یلوح وقد عفی منازله البلی